نقد و بررسی دیدگاه نوادگان دینی معاصر مبنی بر عدم نزول دین

محمد سعید عبداللهی
محمد مهدوی ضایعی

چکیده

یکی از بحث‌هایی که در دین شناسی بیش از هر موضوع دیگری در دوره مدرن به آن ادامه داشته شده بحث قرانت‌های مختلف از دین یا چنین که شیعتی تعبیر می‌کند قرانت انسانی از دین است. سابقه چنین مباحثی در جهان عرب به نصر حامد بوژید و پس از آن در کشور ما به آقایان سروش و شیخ‌تی می‌رسد. مسئله اصلی مقاله برداختن به آراء شیعتی و دیدگاه او درباره عدم نزول دین است. مدعای اصلی وی این است که خداوند هیچ دینی نازل نکرده است زیرا اگر خدا دین نازل کرده بود باید به نحوی در قرآن به آن تصريح می‌شد در حالی که چنین تصريحی وجود ندارد. در این مقاله تلاش کرده‌ایم یکی از بیان مبانی شیعتی مدل شده باشد. دیگر استابتل‌هایی او را روش و نشان دهیم برداشتی که شیعتی از دین به دست می‌دهد به ضر خود تبدیل و سخنان وی در هر حالت مستلزم پذیرش قرآن به عنوان کلام خداوند است.

واژگان کلیدی

دین، قرآن، نزول دین، وحی، قرآن‌اتی، مجتهد شیعتی.
سخن از فهم‌های مختلف در باب دین و قرآن پذیرفته می‌شود. در ایران، بیشتر موارد با نظرات و تفسیرات مختلف به‌طور توزین داده می‌شوند. این موضوع باعث شده است که بدانیم، موضوعات مربوط به مسیحیت و مذهب شیعی در دیدگاه هر مذهبی از آن پرداخته شده است. به‌رغم اختلافات در نگاه به موضوع، نتایج حاصل از هر دو راهبرد به سرائیج یکسان رسیده است. بنابراین می‌توان نتایج حاصل از این نقش‌ها را به نظرات سروش نیز تعمیم داد. از این‌جایی که نوشته‌های مجتهد شیعی در باب عدم نژول دین بر مبانی فلسفی و اخلاقی و استوار است، پیش از هر ورود به موضوع اصلی مقاله، ضروری است تا معرفی اجمالی به برخی از مبانی مهمی که عقبیت شیعی در باب عدم نژول دین، به آن‌ها تکیه می‌گیرد ارائه داده شود. تا این‌جا، قرآن انسانی از دیگر فلسفه‌نامه‌های عمومی، به عنصر گلی که می‌تواند مختصر آنها، سعی در روشن ساختن زیر بنای فکری شیعی و نشان دادن اشکال‌های فکری مدعایی از در باب عدم نژول دین، داریم.

یکی از مهم‌ترین فیلترهای مذهبی که در حوزه شناخت دین طرح می‌شود، امکان فهم دین برای بسیاری از انسان‌ها گوناگون است. اما به‌دلیل توجه داشت هنگامی که شخصی از قرآن انسانی دین سخن می‌گوید، پیش‌تر از هر چیز، این آگاهی بزرگ‌تر از دیگر موارد است. نتایج به توجه به نظرات و نتایج منتقلی او، به شکل مطابق با مدیسون صورت بگیرد که دیده و معتبر نیست و تأثیراتی ندارد.

فرهنگ قرآنی انسانی از دین

یکی از مهمترین مباحث که در حوزه شناخت دین طرح می‌شود، امکان فهم دین برای بسیاری از انسان‌ها گوناگون است. اما به‌دلیل توجه داشت هنگامی که شخصی از قرآن انسانی دین سخن می‌گوید، پیش‌تر از هر چیز، این آگاهی بزرگ‌تر از دیگر موارد است. نتایج به توجه به نظرات و نتایج منتقلی او، به شکل مطابق با مدیسون صورت بگیرد که دیده و معتبر نیست و تأثیراتی ندارد.
او در بیشتر مباحث خود پیرامون دین، انسان را نقطه عزیمت می‌داند. به عقیده مجتهده شیسترا از میان قرآن‌های مختلفی که از آنها می‌شنود، تنها، قرآن انسانی است که می‌تواند افتضاحات و نبایزه‌ها انسان معاصر را بر طرف سازد. بنابراین آن گونه که به نظر می‌رسد مجتهد شیسترا، برخلاف سروش به امور راهی‌های معرفت‌شناسانه، تغییر نمی‌کند و صرفه‌به‌داده هرمانیکی به‌دستالابه‌ی به کرسی نشانند سخنان خوبی است. در قرآن انسانی شیسترا از دین، آزادی عمل انسان در درجه نخست اهمیت قرار دارد. از این رو، این بی‌هوش و نیازمندی که فارغ از آزادی آمیخته باشی که وی آن قرآن غیر انسانی از دین می‌نامد) مخالف است. بنابراین انسان و نبایزه‌ها و همواره در مباحث شیسترا نقش محوری دارد. «ایمان به مبنا روابطی مجزویان با خداوند، تهیه‌ها و آزادی مبنا است.» (شیسترا، ۱۳۸۶: ۱۷) نگاه و باعث نمی‌شود به آرام و مبنایی در معرفت انسان و بالا در توان معرفتی انسان است و از طرفی معرفت‌های بشری اگر در مقابل معرفت دین قرار گیرند، اعتبار ندارند. (مجتهد شیسترا، ۱۳۸۳: ۴۳)

بنابراین از نظر شیسترا این دیدگاه قوی‌است که عالمان دین و شریعت به‌دن بدن تمکین می‌جویند، قرار از توان معرفت بشری است و به‌پایان دیگر، غیرقابل‌پذیر است، و نگذیز پایبند به قرآن‌های انسانی از دین بسته کنیم. برای تعیین دقیق تر قرآن‌های انسانی از دین، به کتاب‌ها و نظرات تأمین‌های قرآنی انسانی از فهم دین، رجوع می‌کنیم.

قرآن انسانی از دین به‌عنوان: «فهم انسان‌ایز دین و دین‌داری خودش»، آن گونه که انسانیت ایجاد می‌کند» (شیسترا، ۱۳۸۶: ۲) شیسترا هیچ‌پدیده رخ داده اتفاقاتی در زمینه روابط انسانی را تحقیق می‌نماید. همه چیز می‌تواند به‌جای بشری بودن، ایمان از نظر قاعده جدا نیست.
از نظر شیستری، قرانات انسانی از دین بر خلاف قرانات فوق انسانی آن براساس ساخته‌های فلسفی، علمی و هنری وجود انسان است. طبق تلقی شیستری در قرانات انسانی، دین در نیازهای آدمی ریشه دارد و انسان با پژوهش و استادیهای فلسفی و ارزش‌های اخلاقی و حقوقی، دین را فهم می‌کند. یک توجه به این رویداد، انسان، محور و اصل همه چیز به‌شمار می‌رود و از طرفی دیگر، عنصر وحی نزدیکی آدمی رختی بر می‌رود و این کلام انسانی تلقی می‌شود که ادامه می‌کند خاکن در تجربه‌ای دینی، با او سخن گفته است و در نتیجه، پژوهی‌های پدیده‌ها انسانی را دارد که تا اینجا به معماری فهمل کلام انسان، فهم شدنی است. (مجتهد شیستری، ۱۳۸۳:۱۸۶) وی همچنین در باب وحی در کتاب هرمنوتیک، کتاب

وست‌آورد است:

به‌طور مفصل، می‌تواند ادعاهای که از هرگونه پیش‌فرض به دور است و آنها به‌دست می‌آورد رنگ و بوی بسیاری ندارد و از عوامل و شرایط زندگی عصرهای تأثیر نهایی ندارند. استه. امید برای تفسیر وحی الهی جز پیش‌بینی مرگ و معرفت بشری در سرمایه‌ی دیگری در اختیار ندارد. (مجتهد شیستری، ۱۳۸۱:۲۶)

پناه‌ی در کتاب ایمان و آزادی می‌گوید:

پناه‌ی سخنی به‌عنوان مجموعه‌ای از کلمات و جملات می‌تواند برای همیشه و برای همه وحی فی نفسه باشد. سخن فقط وقتی وحی است که اثری صورت نگرفته. کلمات و جملات قرآن بی‌دلیل که بدون اثری در پیامبر اسلامی داشت برای این سخن وحی امیرکبیر بود. اگر این کلمات، در شخص دیگر نیز چنان اثری نداشت، در این صورت برای این نیز سخن وحی‌ای خدا می‌شود. (مجتهد شیستری، ۱۳۷۶:۴۵)

به‌طور مالی، پناه‌ی شیستری از سال ۱۳۸۱ میلادی، در کتاب تفسیر وحی در نیازهای دینی پیام‌هایی نیز از پی‌داران می‌گوید:

www.SID.ir
نقد و بررسی شبکه توزیع به‌کارگیری نوع‌های ماده بر عدم توزیع دین

نخست آنکه، مطابق با نظریه قراردادی، دین و فهم، آن، امروز شخصی خواهد بود، با کمی دقت در نوشته‌ها شیبستی مراجعه می‌شود که برخی سخنان او یک‌گیجگری را نقض می‌کند. برای نمونه شیبستی در نقدی بر قرارهٔ رسماً از دین می‌نویسد:

اسلام به‌صورتی که تفسیر شود گونه‌ای فهم و تفسیر از کتاب و سنت است و هیج فهمی از کتاب و سنت انجا که به اکثر نیوپایتیسم نرسد خروج از اسلام به‌شمار

نیم آید. (مجتهد شیبستی، 1379، 114)

با توجه به این جمله چند پرسش مطرح می‌شود:

چرا نمی‌تواند به همان اندازه که قراره‌ها مختلف از دین وجود دارد، قراره‌ها مختلف از بیوت وجود داشته باشد؟ از آقای شیبستی مدرسی، حال کدام قراره از بیوت باعث خروج از دین خواهد شد؟ آیا این سخن شیبستی که می‌گوید هر فهمی از کتاب و سنت مادامی که به نفع بیوت نیاید، خروج از اسلام نیست، خود برای قراره‌ای از اسلام نمی‌باشد؟ شاید در قراره‌هایی از اسلام توحید مسند با چیز دیگری منبنا خروج با عدم خروج از اسلام باشد. در این صورت این بیوت که دیدگاه شیبستی تئیله‌ای نظر است در کار دیگر نظرها؟ با توجه به این پرسش، مشخص می‌شود که شیبستی حق ندارد تئیجه‌ای کلی از بحث‌های خود بگیرد و بگوید چیزی بطور کلی اصل است و چیز دیگری فرع، چیزی مغز دین است و چیز دیگر بوسته آن، به این دلیل شاید در قراره‌های دیگر و صحیحتر، اصل و فرع خلاف

نظر ایشان باشد.

پایام دیگری که بر سخنان شیبستی در باب قراره از دین وجود دارد خارج شدن دین از قلمرو محک و سنجه‌های عقلانی است. بدن نرتب گزره‌های دینی در ادیان مختلف از قلمرو عقل و علم انسان دور می‌ماند. برای نمونه اگر در زمانی خاص، دینی برای یک محک، بیانی اورد که آن محک را موجه و معقول سازد و بعداً و در عمر دیگری آشکار شود که آن بیان و وحی یاد شده، هیچ یک پره‌هایی از حقیقت نداشته و یکسر نادرست بوده است، در این شرایط آیا آن حکم مورد نظر مدرود و نادرست شمرده می‌شود و یا آنکه با قرارهٔ جدید وجه جدیدی برای آن ساخته می‌شود؟

تجربه دینی به مثاله پایه و اساس دین

از دیگر نکاتی که در حوزهٔ شناخت دین برای شیبستی اهمیت بسیار دارد، مسئله‌گرده زدن دین با تجربه‌های دینی است. مسئله‌ای که در آن موضوع می‌توان، تأثیر تفکر اندیشمندان و الهی دانان مسجحی را بر مجتهد شیبستی مشاهده نمود. در انديشه‌گری غرب، شخصی مانند شلیپرماه درس، با الهی دان آلمانی،
با توجه به شرایط روزگار و زمانهای خویش و هجه‌هایی که در قرن هجری و توزیع‌های دیگر دارد، به مباحث دیگری و احساسی متوسل شد. شلال‌فرم دیده‌گاه دید را در تجربه دیگر و ساخت آن را عفونت انسان می‌دانند، نه خرد و تعقل آدمی. اینکه دین به خودی خود، عاطفه است و خنیا‌ی نه کاری برخاسته است از اراده و عقل، بلکه احساسی است (براید، 1377: 82) دین به خوده خرد و اندیشه‌ی تعلیق ندارد، بلکه احساس آن احساس است و دین اصلی و حقیقی، آن شوق است که برای تجربه نمودن نامائش وجود دارد (این، 1380: 286) از مدعی است که اساساً دین بر استدلال عقلی و برده فلسفی مشتاق است، بلکه احساسی است که در اعماق قلب متدبان است. گوهر اصلی دین است و مرکز و نقش ایمان نه در کتاب مقدس، که در درون و اعماق قلب انسان‌ها به ایمان جای دارد. شلال‌فرم مدعی است که تجربه دینی، گوهری تجربه وصل‌گری بخش و عقلانی است، بلکه عبارت است از: «احساس و باستگی مطلق با خودگاه‌ها از وجود طولانی و باستگی که معادل با وجود مربوط و باستگی به خدا و خدا. (ززاردی، 1380: 64) چهارم آفرین مارتن، در مقاله تجربه دینی می‌گوید شلال‌فرم بر آن است که قلب و احساس ایمان دینی در عوامل و به نحو خاص تر احساسی قرار دارد که به نحو خاص دینی است (یعنی در تجربه دینی) که نامهای مختلف بر آن مگذار. از قبیل: احساس و باستگی مطلق، احساس و تجربه امر نامائشی و احساس امر کلی. شلال‌فرم همچنان بر آن است که حیات دینی یک در شکل عقیدتی و آموزه‌ای و هم در شکل آیینی و شعایری از ای احساس (تجربه دینی) ناشی می‌شود (نیکی، 1978: 329). اسعارت بیک از دین پژوهان معاصر در کتاب تجربه دینی نوع یک نیز در همین باب می‌گوید: «شلال‌فرم، تجربه دینی را به قلب و محور تفکر دینی بازگرداند» (1976: کالیستون تاریخ بزرگ فلسفه نیز معتقد است:

به راستی و جهاب و وستگ فلسفه دین شلال‌فرم آن است که فلسفه دین برای (Caplestone)

وی بیان یک تجربه اساسی دینی است، (1971: 52)

پس از شلال‌فرم، متفکران دیگری نیز این بی گرفته و در مبان آنان، ویلیام جیمز با کتاب انواع تجربه دینی، شهرتی بسیار بیجا نمود. وی ایده‌ای عمل گرایان داشت و بر جنبه‌های عمیق و شخصی دین تأکید می‌کرد. به عقیده او باشد از راه تجربه و توانایی عمیق از دین دفاع کرد. نتایج و نظرات مانند: آرامش خاطر، احساس، شکیبایی، خوش‌شناخت سلامت و پاک‌ترک روح، پاسیوی اطاعت، زهد و دیدگاه‌هایی درباره دموکراسی و انسانیت (لگناورون: 1383: 11) ویلیام جیمز در تعیین

دین می‌گوید:

www.SID.ir
نقد و بررسی دیدگاه ناول‌شناس دینی معاصر می‌تواند بر عدم نزول دین

تأثیرات، احساسات و رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از تمام بستگی‌ها برای وی روی می‌دهد، بهطوری که انسان از این مجموعه درمی‌یابد که بین وی و آن چیزی که آن را امر خداوند و ابطال‌های برقرار است (چیمر، ۱۳۸۷: ۴).

شیبستی نیز با ناگهان از همین تفکر که ابتدای دنیا نمی‌شود. انسان و پایه دنیا را در تجربه دینی مانند تجربه‌های کسب کردن آن برای افراد مختلف در جهانگوینی را دارد. (مجتهد شیبستی، ۱۳۷۶: ۱۱۹) شیبستی همچنین معتقد است:

تجربه دینی با پایه هر انسان، آن است که برای خودش حاصل می‌شود. شناخت آن هم مناسب با آن برای خودش حاصل خواهد شد. (شیبستی، ۱۳۷۶: ۱۲۷)

ود مدعی است که تجربه دینی پایه و اساس دین دارد است. و تجربه‌های دینی برخاسته از حضور انسان در برابر خداوند است. از طرفی این انسانها بر همین تجربه‌ها استوار می‌شود. آموزه‌های دینی نیز شرح و تفسیر همین تجربه‌ها هستند.

شیبستی معتقد است:

ادبان بزرگی در سه سطح ظاهر می‌شوند: اول: سطح اعمال و شعائر مثل: نماز و روزه و انفاق مسلمانان. دوم: سطح ایده‌ها و عقاید مثل خداشناسی، بهشت‌نگری، اخترشناسی و دینی‌شناسی. سوم: سطح درونی‌تر دین که سطح تجربه‌های دینی است و آن همین اصلی دین است. اگر ما این سطح‌ها را به صحبت دایره‌هایی که محيط بر پک‌ها گرد و غیره در نظر بگیریم، سطح تجربه‌ها، سومین دایره است که در درون دایره‌ها دیگر قرار دارد و یا آن دوباره احاطه شده است. بنابراین سطح درونی یا هسته اصلی دین، تجربه‌هایی است. (مجتهد شیبستی، ۱۳۷۶: ۱۱۸)

با از دامنه می‌گوید: "بی‌بند اصل و اساس دینی را در این تجربه‌ها می‌دانم" (هیمان: ۱۱۹)

بنابراین مجتهد شیبستی دین را در اندیشه تجربه‌های فردی که آنرا برای یک تجربه شخصی و دینی دانست، تجربه دینی می‌سازد که در مجموعه قبلی و مجمع‌یافته است. چنانچه مشاهده می‌شود اینکه می‌تواند به یک مجموعه مکرر که به کشیده‌ای از ابتدا با لوازم فردی کاسته است، به‌ویژه همکار، همکاری و همکاری مجموعه مکرر نیست.

از سوی دیگر، شیبستی اختلاف روابط تجربه‌ای دینی در دین داری را چگونه حل می‌کند؟ در دیدگاه او که شرایط و دین ابلاغ می‌شود به‌وسیله پیام‌های اخلاقی تجربه‌های دینی شخصی و تلقی می‌شود. سلاح صدیق

www.SID.ir
تجربه دینی چیست؟ همچنین، باید توجه داشت که در این نظریه ملاک و مبادی برای تشخیص
تجربه دینی صحیح از سهیم وجود ندارد. اگر یک مسلمان یا شیعه فلسفه کند مثال آن را به صورت توحید تجربه کند و مسلمانی دیگر، آن را به گونه‌ای تفسیر کند که به صورت تلیثیت یا
بختی هدیه‌ون تفسیر کند. تجربه کدامیک صحیح است. بر چه اساسی باید در مورد آنها داوری کرد.

(محمدرضا زایدن، 1380: 15)

انسان محوری و نیازهای انسان

همان گونه که پیشرفت مطرح شد شیبستری در بسیاری از بحث‌ها، نقطه اصلی راه خود را انسان و نیازهای او
می‌گذارد. از همین رو همراه با این دارد که دین را همسو و هم جهت با نیازهای بشر قرار دهد. در
آثار یا در باب دین و دینداری، همراهه دین در بین رفیق نیازهای آدمی است و البته بر واضح است که نیازها
و اضطرابات انسان امروری با گذشته تقویت دارد و به‌همین دلیل شیبستری معتقد است که «نفس مورث
استند در احکام فقهی و حییت سیاسی، در صدد پاسخ به پرسش‌های عصر ما نیستند و اهداف عقلانی ما را
برآورده نمی‌کند، فقط با عصر نژول و فرهنگ و واکنش‌های اجتماعی و اخلاقی آن دوره اختصاص دارند»

(مجتهد شیبستری، 1379: 20) با توجه به موارد گفته شده، یک امری برخاسته و بررسی‌هایی از شرايط فرهنگ
و جامعه در هر زمانی است که نمی‌توان آن را به فرهنگ و جامعه‌ای در زمان دیگر تمیم داد و در نتیجه فراق
و بايد و ناب‌پایهای موجود در آن نيز مربوط به همان عصر است و بنابراین، بی‌پیامبران و تمامی متن دينی
نیز فرزند عصر و زمانه خود هستند. شیبستری بدلیل همین مطالبی که پیشرفت آمده در کتاب خود می‌نویسد:

«الهای امروز با الهای قدیمیت به چه می‌کنند» (مجتهد شیبستری، 1379: 117)

آن گونه که مشاهده شد شیبستری هرگونه تفسیر سنتی را کنار می‌گذاشت و با طرح فراتنه انسانی، به
نقد تمامی فراتنه‌های سنتی از شریعت می‌پرداخت. این در حالی است که شیبستری بر این عقیده اصرار
می‌وزد مبناست که یک طرح که بتواند جنبه اومانیستی نداشته و پیشرفت بی‌کلامی است. یعنی به ذهن
شما بايد که این سخن، سخنی انسان قرآنیه است. این یک بحث اومانیستی نیست، بلکه فلسفی و کلامی
است» (شیبستری، 1376: 20) با این حال باید این را بذرفته که پیامدهای عقیده و فکرات او، چیزی جز
همان اومانیسم نخواهد بود که به نوعی روش و اساس همه محوریت‌های انسان مدرن است.

نقد دیدگاه شیبستری در باب عدم نژول دین

اکنون و با توجه به مطرح شدن مبانی و آراء مجتهد شیبستری که زیربنای ادعای ای بود، می‌توان به

www.SID.ir
مقدمه

مقدمه اول: اگر خدا دین نازل کرده بود بايد به نحوی در قرآن به آن تصريح میشد.

مقدمه دوم: هرگز در قرآن تصريح نشنده است.

نتیجه: خدا در نازل نکرده است.

برای اینکه استدلال با جزئیات پیدا کنیم، اولاً بايد معا و مفهوم دین معلوم گردد. ثانیاً: تلازمه مبانی شیسترو در یادداشت تکمیلی دیگری با عنوان: توضیح لازم (مجتهد شیسترو، ۱۹ مرداد ۹۳)

توجه دارد است که هرگونه داوری درباره صحت و سوسم دورطف ادعی بر تبیین و تعمیم معانی دین استوار است. به تبیین دیگر معا و مفهوم دین جزو مبادی تصویری بحث ما است وی در همان یادداشت (مجتهد شیسترو، ۶ مرداد ۹۳) تعریف خود را از دین به صورت زیر اورده است:

دین راه و روشی است که انسانها در ارتباط با خداوند یکتا و بر همتای یا در ارتباط با خداونان آن را بر می ساختمان و در اعتقاد و عمل به آن ملت می شد اند.

به اعتقاد اشیسترو دین مانند فلسفة و هنر برخاسته انسان است، این تفاوت که قرار از مخاطبان خود می خواهد که دین برخاسته خود را برای خداوند خالص کند و انسان می تواند با حفظ خلص دین برای خدا در عین حال محترم آن را با خرد جمعی بشر در عصر حاضر غنی سازد.

در این تعریف با این نگاهی است که انسان از دین خود به تبیین مفهوم ارتباط با خدا با خداونان را گنجانده است. معلم نیست مفهوم ارتباط را به چه معنا به کار می گیرد؟ انسان به چه معنا دنیا را در ارتباط با خدا می سازد؟ مفهوم "درن بر ساخته انسان" به تنها به صورت ضمنی بکه آشکارا دلایل دارد بر اینکه خداوند هیچ دخالتی در تأسیس و تبیین ندارد.

نباید تعریف شیسترو از دین، دیگر لازم نیست انسان در هر مرحلهای چه حقوق بشر و یا هر مسئلهای در
بازگشت حکم خداوند باشد انسان می‌تواند با روح به خرد جمعی احکام را ابزار و دعوت مخالفت با خدا را نداندباشد. این نکته در آموز ممکن است جناب به نظر رسد و مشکل جذاب تشیعی و همکاریش را حل کند. اما چنان که برداشتی از دین به ضر خود تبدیل می‌شود، زیرا هر کسی که انسان می‌سازد، تمام بناهایش را می‌پذیرد با خدا، ساخته انسان خواهد بود. در این صورت ساختن دین است از دین، ساخت «دین درابتکبا با خدا» و «خلاق کردن دین با خدا» تنها می‌تواند با این معنا باشد که مثل این خواهد بود را به دنیای بدن و عاطفی خواسته و اراده خداوند اجرا و عناصر دین را در نظر گرفته و تنظیم کند. پرس👇ش

دشوار این است که انسان چگونه می‌تواند اراده خدا را در هر مسئله‌ای کشف کند؟ این همان پرسش‌ی است که برای پاسخ به آن علم کلام، فقه و اصول و دانش‌های متعدد دیگر پیدا نمی‌آمد است. ممکن است گفتگو شود، برای کشف اراده خداوند انسان باید در هر مسئله‌ای به خرد جمعی و با عقل خود مراهک کند و در خود را که چیزی جز خودها در مقام نظر و باها و نیایه‌ها در مقام عمل نیست، با خرد منطق کند. با چنین کاری انسان می‌تواند خود را خاص کن. این سخن چیزی جز قاعده نیست. مثل این که در صورتی که منای ایاق مهین باشد تا زمانی در جایی جریان باشد می‌کنن که حوزه دخالت عقل باشد. در وارا دکتر که عقل حکمی ندارد چه باید چه چگونه باشد اراده خداوند را کشف کرد؟ ایا راهی دیگر جز ارتباط مستقیم خداوند از طریق اسلام رسول بریوئی وجود دارد؟

مجتهد تشیعی با برداشتن که از دین به دست می‌دهد، شاید بتواند مشکل انطاق دین با عصر جدید را حل کند اما تفسیر و دعوت های جدیدی پیدا می‌آورد که خود او نیز نمی‌تواند بداند که: هنگامی که با دقت بیشتری به استدلال تشیعی نگاه می‌کنیم در می‌پایین که:

اولا: استدلال تشیعی خاص از مدعای است ادعای است که خدا یا به نفرستاده است، ولی برای استدلال تنهایی است که نقش قرآن را رود. ایا احتمال این رود که در کتاب‌های انسانی دیگر به‌

صراحت نزول دین امید باشد؟

ثانیا: استدلال تشیعی مستلزم این است که همکار قرآن کلاف خداوند است و از جان بخا فرستاده شده است. اگر تشیعی نباید قرآن کلاف خداوند است. استدلال از اساس جنایت پیدا نمی‌کند دلیل مطمئن باشند آنها قرآن کلاف خداوند است با کلام خداوند نیست. اتحاد دیگری نمی‌توان فرض کرد. در هر صورت استدلال تشیعی به قرآن به عدم نزول دین، جریان نمی‌باید. اگر قرآن از جانب خداوند بر پایه اکتم بنا نازل شده باشد در این صورت نزول قرآن به دلایل از این البته با صراحت دلایل می‌کند بر اینکه خداوند دین نازل کرده است. در قرآن هم عقاید و هم باها و نیاینده‌ها آمده است. www.SID.ir
نزدیک به ۵۰۰ آیه در قرآن وجود دارد که متن‌من مباحثی مربوط به عدم نژادیت است. این احکام مربوط به خدمات اجتماعی می‌باشد. اگر قرآن به صورت مبناز گوید، نمی‌توانید، زکات به‌هذین جهاد به‌کنیست، به‌خود ایمان بیایید. آیا این اواز جز است؟

اما اگر قرآن کلام خدا ناشنید نیز استندال شیستری جریان بیدا نمی‌کند. زیرا در این صورت سخن پیامبر است. هر تفسیری که از این فرض بدست‌دیده شود تفاوتی در بحث ما ندارد. قرآن خواه ترجیبه نموی باشد، خواه رؤیای رسولانه و یا افعال گفتاری پیامبر، در هر حال کتاب‌است که آرا و انگار شخصی خاصی را هرچند پیامبر بازتاب می‌دهد که باره و پایه‌ها و نابیناهای شخصی است و هیچ مستحکم برای اعتبار و درستی آن وجود ندارد. در این صورت، چه‌گونه شیستری به چنین کتابی بر عدم نژول دین استندال کنی؟ مگر می‌توان به تجربه‌ها، افعال و پاورهای یک شخص استندال کردن و تبیه‌های کلی و همگانی گرفت؟

هنگامی که این فرض را پیشتر مورد بررسی قرار می‌دهیم در می‌باشیم که در صورتی که قرآن کلام پیامبر باشد، یا می‌توان به آن استندال کردن یا نمی‌توان در هر دو صورت استندال شیستری جریان بیدا نمی‌کند. اگر می‌توان استندال کردن پس استندال شیستری بیه قرآن بر عدم نژول دین نادرست است. اگر می‌توان استندال کردن پس استندال شیستری کنن دارد که شیستری چنین کردند است در این صورت پیامبر یا به فرض یا در کتابی به قرآن، به صراحت می‌گوید که این کتاب از جانب خدا نازل شده است (توبه / ۱۲، ۱۵ و ۲۷ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و ۱۹ و
نتیجه

دنی نازل شده از سوی خداوند بدلیل اشتغال بر احکام ثابت ولایتیبیر با بست مواجه می‌شود.

به نظر شیعیان راه رونفت از بن بست این است که بن و پیش فرض استدلال را ارکار کنیم.

یعنی پی‌بی‌می‌کنیم چون دینی نازل نکرده است. در صورتی که خدا دین نازل نکرده باشد دیگر جوامع

اسلامی با بن بست مواجه نخواهد شد.

یا دقت در این استدلال چند نکته مشخص می‌شود:

اول‌اً، در این‌دی‌ای بحث، استدلال شیعیان را بر عدم نزول قرآن، نقد و تمیز، با نقد اصلی مجازی

برای راه حل از مبانی ماهد راه حل از جز حذف صورت مسئله نیست.

ثانیاً، مقدمه اول استدلال از ضعف ویرایش رنج میردد. شیعیان نمی‌دهند که چرا اگر دین از

نوحه خدا نازل شده باشد لزوماً ثابت ولایتیبیر است.

چنان که می‌دانیم دین از مجموعه‌ای از احکام ثابت و تغییری نمی‌رود تشکیل شده است. در دایر احکام

ثابت نمی‌توان تغییری ایجاد کرد و شیعیان با بد نشان دهد که کدام حکم ثابت دین، جوامع اسلامی را

با بست مواجه کرده است؟ در مورد احکام تغیری‌پذیر هم که بنیت وجود ندارد.

مقدمه‌ای در استدلال این نادرست است. زیرا بندی‌هایی از احکامی حقوق بشر و با عضی از اجزای نظام‌های

سیاسی اجتماعی مدنی که با دین اسلام سازگاری ندارند هم به این دلیل این است که احکام اسلام ثابت است.

بکه به این دلیل است که رهبردیهای جدید بشر در حقوق، سیاست و اجتماع، بر مبانی انسان‌شناسی،

معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و هستی‌شناسی معافیت است. شیعیان با بد توضح دهد که در یک

نزاکت مبانی‌ای چرا یک دین اسلام از مبانی خود دست بردارد و به مبانی قرطب ملمزم شود؟

نتیجه

با توجه به مبانی و اصولی که در ابتدا مقاله مطرح شد و تحلیل، نقد و ارزیابی ادعای شیعیان در پانزده

نزو دور دین، می‌توان نتیجه گرفت، پارادایم که شیعیان ثابت از دین به دست می‌دهد به ضد خود تبدیل

www.SID.ir
می‌شود، زیرا دیوی که انسان آن را می‌سازد، تمام باورهایش ازجمله باور به خدا، ساخته انسان خواهد بود.

در این صورت عباراتی مانند «ساختن دین در ارتباط با خدا» و «خلاص کردن دین برای خدا» چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ همچنین نیازی نیست انسان در هر مسئله‌ای در جستجوی حکم خداوند باشد.

انسان می‌تواند با رجوع به خرد جمی احکام آن را بپیکرده و دعه‌های مخالفت با خدا را ندانسته باشد.

نابیراین «ساختن دین در ارتباط با خدا» و «خلاص کردن دین برای خدا» تنها به این معنا می‌تواند باشد که شخص اراده خداوند را به خوبی پذیرد و مطالعه خواست و اراده خداوند اجا و عناصر دین را در نظر و عمل تنظیم کند. با این همه، انسان چگونه می‌تواند اراده خدا را در هر مسئله‌ای کشف کند؟

همچنین، سختی ساختن است و از جانب خدا فرشته‌ای است. درک اگر شیعی تبدیل قرآن کلام خداوند است و از جراحی نیازهشد. قرآن یا کلام خداوند است یا کلام خداوند نیست. اگر قرآن از جراحی خداوند بر پایم آگر، نازل شده باشد، در این صورت قرآن نه به دلالت نازلی بل به صراحت دلالته گذیده بر اینکه خداوند دین نازل کرده است. اما اگر قرآن کلام خدا نباید نظر استدلال شیعی جریان یبدا

نیکم که زیرا در این صورت سخن پایبند است. هر تفسیری که از این فرض نبسته شود تفاوتی در بحث ما ندارد. قرآن خواه تجربه توهی باشد. خواه روابط رساله‌ای و ها افعال گفتگوی پایبند در هر حال کتابی است که آرا و انتظار شخص خاصی را هرجمند پایبند بزازاب می‌دهد که باورها و باپیتا و نابایدی از شخص یکست و هیچ راه سنجش برای اعتبار و درستی آن وجود ندارد.

منابع و مخاب
1. پرورد فوت، وین، 1377، تجره دینی، ترجمه عباس یزدانی، قم، نشر طه.
2. رجبی، گلی، 1380، به سوی الهیات ناظر به همه ادیان، ترجمه رضا گنبدی نصرآبادی و احمد پرست متاح، قم، نشر ادبیان.
3. لکی، محمد، 1383، تجربه دینی اسلامی، حوزه و دانشگاه، ش، 3، ص 39-83.
4. لین، تونی، 1380، تاریخ فکر مسیحی، ترجمه روبرت اسپرینگ، تهران، نشر فروزان.
5. جمی، ولیم، 1387، دین و دین، ترجمه مهدی قاچی، قم، دارالفکر.
6. محمدی شیرازی، محمد، 1380، ناخداها، اصلاحات دینی در ایران، قم، ش، 24 ، ص 25-9.
7. محمدی شیرازی، محمد، 1381، هرمنیونیک، کتاب و سنی، تهران، طرح نو.
8. محمدی شیرازی، محمد، 1383، اتألیات در قرآن اسلامی از دین، تهران، طرح نو، ج 1.
9. مجتهد شیبستری، محمد، 1379، محمد، ایمان و آزادی، تهران، انتشارات طرح نو.
10. مجتهد شیبستری، محمد، 1379، تقدیم برقرانند نسیم اردیبهشت، تهران، طرح نو، ج.
11. مجتهد شیبستری، محمد، 1379، بازنشر آیا خداوند دین نازل کرده است؟، سایت نویسندگه:
mohammadmojtahedshabestari.com
12. مجتهد شیبستری، محمد، 1393، چند توضیح لازم، سایت نویسندگه:
mohammadmojtahedshabestari.com